



مرز اسپین بولدک؛

گلوگاه فشار روانی برای بیماران رهسپار پاکستان



مرز اسپین بولدک، پس از تورخم مهم‌ترین بندر افغانستان با پاکستان شمرده می‌شود. افزون بر واردات و صادرات کالاهای بازرگانی میان دو کشور، روزانه هزاران تن از طریق این مرز جهت تداوی عازم پاکستان می‌شوند. تحقیر، اخاذی مسوولان پاکستانی و افراد ارتباطی آنان و تمایز میان بیماران و همراهان شان بر اساس قوم، زبان و محل سکونت، از نابه‌سامانی‌هایی است که شهروندان افغانستان در مسیر رفت و برگشت...



واکنش‌ها به منع کار زنان؛

طالبان از تصمیم‌های غیرمسوولانه خود عقب‌نشینی کنند

بحران روزافزون انرژی در پاکستان

۵

۳

قطر خواستار رفع ممنوعیت کار زنان در افغانستان شد



۸ صبح، کابل: وزارت خارجه قطر در بیانیهای از ممنوعیت کار زنان توسط طالبان در افغانستان ابراز نگرانی کرده و خواستار لغو این دستور شده است.

وزارت خارجه قطر روز یکشنبه، ۴ جدی، با نشر بیانیهای، ممنوعیت کار زنان در افغانستان را مغایر میثاق‌های بین‌المللی و احکام اسلامی دانسته است.

در بیانیه تاکید شده است که چنین تصمیمی به توزیع و انتقال کمک‌های بشردوستانه به مردم افغانستان آسیب می‌رساند.

در بیانیه آمده است: «این وزارت بر موضع کشور قطر در حمایت از همه طیف‌های مردم افغانستان برای به دست آوردن تمام حقوق‌شان، از جمله حق کار تاکید می‌کند.» قطر از جمله کشورهای حامی طالبان است که در سال‌های اخیر میزبان رهبران این گروه بوده است و طالبان از این کشور به فعالیت‌های سیاسی خود ادامه می‌دهند.

سازمان داکتران بدون مرز: بدون کارکنان زن امکان ارائه خدمات صحی وجود ندارد

سازمان داکتران بدون مرز افزوده است: «ارایه خدمات باکیفیت به بیماران در مراکز تروما، بخش‌های سرپایا، عاجل، بخش‌های سل، سالون‌های عمل جراحی و بخش نوزادان یا کودکان توسط کارکنان زن پیش برده می‌شود.»

در واکنش به تصمیم طالبان مبنی بر ممنوعیت کار زنان در موسسات، سازمان حمایت از کودکان، شورای پناهنده‌گان ناروی و موسسه پاملرنه فعالیت‌شان را در افغانستان متوقف کرده‌اند.

این سازمان‌ها در بیانیهای مشترک گفته‌اند که بدون کارمندان زن نمی‌توانند به‌طور مؤثر به افراد نیازمند کمک کنند.



۸ صبح، کابل: سازمان داکتران بدون مرز در واکنش به دستور منع کار زنان در موسسات بین‌المللی، می‌گوید که بدون کارکنان زن امکان ارائه خدمات صحی در افغانستان وجود ندارد.

این سازمان روز یکشنبه، ۴ جدی، در رشته‌توییتی تاکید کرده که هیچ سازمانی بدون زنان نمی‌تواند به مردم محلی کمک کند.

به گفته این سازمان، در طول چهار دهه‌ای که در افغانستان فعالیت می‌کند، بدون کارکنان زن، ارائه مراقبت‌های صحی امکان نداشته و «کنار گذاشتن زنان از زنده‌گی عمومی همه را در معرض خطر قرار می‌دهد.»

سازمان همکاری اسلامی:

طالبان عمدا حقوق زنان را نقض و مردم را انکار می‌کنند

با وجود واکنش‌های سازمان‌ها و کشورها به ممنوعیت کار زنان و محروم کردن دختران از آموزش و تحصیلات عالی از سوی طالبان، این گروه هیچ‌گونه پاسخ مثبتی در این مورد نداشته است.

۸ صبح، کابل: سازمان همکاری اسلامی دستور ممنوعیت کار زنان در افغانستان را «خودباخته‌گی» و «انکار» منافع مردم توصیف کرده است.

حسین براهیم ظاه، دبیر کل این سازمان، روز یکشنبه، ۴ جدی، در پیامی این تصمیم طالبان را «ضربه شدید دیگر» به حقوق اساسی زنان افغانستان دانسته است.

آقای ظاه این رویکرد رهبری طالبان را عمدی دانسته و گفته است که هدف از آن متاثر کردن حقوق زنان در افغانستان است.

به گفته او، این اقدام طالبان فعالیت‌های بشردوستانه و امدادی را که توسط سازمان‌های غیردولتی داخلی و بین‌المللی به پیش برده



نافرمانی مدنی؛

یا همه یا هیچ کس



۴

امریکا، طالبان و دیپلماسی گروگان‌گیری



۶

تشدید بیماری‌های روانی در سایه طالبان

شایع‌ترین بیماری‌های روانی در جهان افسرده‌گی است که عوامل متعددی سبب پدایش آن می‌شود. شیوع و تشدید افسرده‌گی سبب از دست دادن امید، از دست دادن انگیزه و ابتلا به تیره‌اندیشی می‌شود و کار را به جایی می‌رساند که شماری به خودکشی دست می‌زنند و شماری در حال و هوای آن تنفس می‌کنند. بیماری‌های روانی دیگری نیز وجود دارد که به همین پیمانیه یا گاهی بیش‌تر زبان‌بار است. از اضطراب گرفته تا شیذوفرنی و غیره که برخی از آن‌ها ریشه‌های ژنتیک یا زمینه‌های فیزیولوژیک دارد، اما در اثر عوامل نابه‌سامان اجتماعی فعال و تشدید می‌شود.

شهروندان افغانستان از زمان روی کار آمدن طالبان با اختلالات روان‌شناختی متعددی دست به‌گریبانند و سلامت روحی و روانی میلیون‌ها تن در معرض آسیب‌های عمیق قرار گرفته است. پیش از این نیز با عملیات انتحاری طالبان، بم‌گذاری‌های کنار جاده‌ای، ترور کارمندان دولتی و موسسات خارجی و خشونت‌های دیگری که این گروه انجام می‌داد، روان جمعی جامعه آسیب‌های شدیدی دیده بود و افغانستان از این نظر در صدر کشورهای آسیب‌دیده جهان قرار داشت.

در ماه‌های اخیر که سخت‌گیری‌های طالبان شدت بیشتری به خود گرفته است، شرایط اقتصادی اغلب مردم در حال وخامت است و به استثنای وابسته‌گان این گروه که بر همه منابع اقتصادی و عایداتی کشور چنگ انداخته‌اند و به سرعت پول‌دار می‌شوند، بقیه مردم در حال جان‌کندن قرار دارند. از دست دادن شغل و دست‌وپنجه‌نم کردن با مشکلات روزمره زنده‌گی یکی از شایع‌ترین عوامل گسترش افسردگی و دیگر بیماری‌های روانی در هر جامعه است و افغانستان اکنون از این نظر رکورددار شده است.

عامل دیگری که اضطراب‌های روانی مردم را چند برابر می‌سازد، نابرابری اجتماعی و گسترش تبعیض زبانی، قومی، منطقه‌ای، مذهبی و تباری است؛ زیرا این تبعیض در نحوه خدمات ادارات دولتی، بازداشت مظنونان، برکناری کارمندان و بسیاری از عرصه‌های زندگی چهره خشن و زنده خود را نشان می‌دهد. نابرابری میان شهروندان در هر جا که باشد، مایه اضطراب و آشفتگی‌های اجتماعی است و یکی از پیامدهای آن افزایش اختلالات روانی و بیماری‌های روحی است.

سیطره جریان‌های ایدئولوژیک که جهان را از عینک توهمات خاص خود می‌بینند، در هر کشوری که بوده زندگی را بر شهروندان تلخ ساخته است. چنین جریان‌هایی از دیدن واقعیت‌های زندگی عاجزند و جهنمی را که برای مردم خلق می‌کنند، بهشت می‌پندارند. آنان نمی‌توانند ببینند که میلیون‌ها انسان آن جامعه در حال فرار و کوچ دایمی از آن کشور هستند. آنان این قدر شعور ندارند که ببینند چرا ترکیه، آلمان، سوئیس و دیگر کشورهای آزاد از این جاذبه برخوردارند که اگر برای هر شهروند افغانستان، به شمول اعضای خود طالبان، میسر باشد، به آن‌جا خواهد گریخت، چنان‌که رهبران خودشان فرزندان خود را به قطر و دبی فرستاده‌اند. افسوس‌زدگی ایدئولوژیک چنان سیستم آگاهی و شعور آدمی را به نابودی می‌کشاند که مسببان این وضعیت نیز از آسیب‌های آن مصون نمی‌مانند. آنان از یک سو شیفته زندگی در کشورهای آزاد هستند و از سوی دیگر آرزوی می‌کنند که این کشورها را به رنگ و شمایی درآورند که از آن گریخته‌اند یا می‌گریزند. افغانستان اکنون در چنگ چنین گروه افسوس‌شده‌ای گرفتار آمده است. اگر شرایط عادی می‌بود، بسیاری از رهبران این گروه به تیمارستان‌ها فرستاده می‌شدند، نه وزارت‌ها و ادارات دولتی.

ندیم: اگر آبادی و تمدن می‌خواستیم، اسامه بن لادن را به امریکا می‌دادیم



۸صبح، کابل: ندامحمد ندیم، سرپرست وزارت تحصیلات عالی طالبان، گفته است که اگر هدف اصلی این گروه آبادی و تمدن می‌بود، اسامه بن لادن را به امریکا می‌داد، زنان اجازه کار می‌یافتند و نیاز به جنگ ۲۰ ساله در افغانستان نبود. در یک نوار تصویری که روز یکشنبه، ۴ جدی، در شبکه‌های اجتماعی نشر شده است، ندیم می‌گوید: «بعضی می‌گویند چرا مکاتب را باز نمی‌کنید یا به آموزش مختلط اجازه نمی‌دهید یا به خانم‌ها اجازه کار نمی‌دهید و به مصالح ملی توجه نمی‌کنید. برای ما دین خدا از هر چیز مهم‌تر است.»

او افزوده است: «اگر به آبادی و تمدن توجه می‌کردیم، اسامه بن لادن را به امریکا می‌دادیم و به زن‌ها آزادی می‌دادیم. الله اجازه نمی‌دهد که خواهشات کفار را قبول کنیم.» به گفته او، طالبان مکلف‌اند که زنان را مجبور به حجاب کنند و اگر قیود وضع می‌شود، با بمب اتم هم نمی‌توان این گروه را از تصمیمش منصرف کرد. گفتنی است که طالبان در یک هفته اخیر با صدور دو فرمان، تحصیل و کار زنان را ممنوع کرده‌اند. این تصمیم آنان واکنش‌های زیادی را خلق کرده است.

وزیر خارجه آلمان: ما نمی‌پذیریم که طالبان کمک‌های بشردوستانه را بازیچه زین‌سستیزی‌شان کنند

کنند. وزیر خارجه آلمان روز یکشنبه، ۴ جدی، گفته است که طالبان نیمی از جمعیت افغانستان را از یکی دیگر از حقوق اساسی‌شان محروم کرده‌اند. او افزوده است که طالبان اصول بشردوستانه را زیر پا گذاشته و نیازهای حیاتی مردم افغانستان را به خطر انداخته‌اند. این در حالی است که سفارت آلمان برای افغانستان روز گذشته گفته بود که دستور طالبان مبنی بر ممانعت زنان از کار در سازمان‌های غیردولتی ظالمانه است.



۸صبح، کابل: آنالنا باربوک، وزیر امور خارجه آلمان، گفته است که آن‌ها نمی‌پذیرند که طالبان کمک‌های بشردوستانه را بازیچه زین‌سستیزی‌شان

آماده‌گی ایران برای همکاری با طالبان در بخش استخراج معادن



۸صبح، کابل: محمد حسن کاظمی قمی، نماینده ویژه ایران در امور افغانستان، در دیدار با ملا عبدالغنی برادر، معاون رییس‌الوزرای طالبان، از آمادگی کشورش برای همکاری در بخش استخراج معادن افغانستان خبر داده است. در این دیدار که روز یکشنبه، ۴ جدی، در کابل انجام شده است، دو طرف در پیوند به همکاری‌های دوجانبه در بخش‌های استخراج معادن، انرژی و زراعت گفت‌وگو کرده‌اند.

محمد حسن کاظمی قمی که سرپرستی سفارت ایران در کابل را نیز بر دوش دارد، در این دیدار گفته که کشورش آمادگی دارد تا در بخش استخراج معادن به طالبان کمک کند.

طالبان سه تن را در پنجشیر بازداشت و یک زن را لتوکوب کردند

منابع در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گویند که این افراد روز شنبه، ۳ جدی، از دره عبدالله‌خیل ولسوالی دره بازداشت شده‌اند. به گفته منابع، طالبان در جریان بازداشت این افراد، همسر ۳۷ ساله یکی از آنان را نیز مورد ضرب‌وشتم قرار داده‌اند. جنگ‌جویان طالب برخی از وسایل و اسباب منازل افراد بازداشت شده را نیز در جریان بازرسی شکسته‌اند. گفتنی است که طالبان در یک ماه اخیر دست‌کم ۲۰ تن را از بخش‌های مختلف پنجشیر بازداشت و شکنجه کرده‌اند.



۸صبح، پنجشیر: منابع محلی در پنجشیر می‌گویند که ریاست ۴۰ استخبارات طالبان سه غیرنظامی را در این ولایت بازداشت کرده و به جای نامعلوم انتقال داده است.

یک بام و دو هوا؛ ملا برادر خلاف دستور رهبر طالبان خواستار دسترسی شهروندان به حقوق‌شان شد

۸صبح، کابل: در حالی که طالبان در چند روز اخیر زنان را از حق آموزش و کار در سازمان‌های محلی و بین‌المللی منع کرده‌اند، معاون رییس‌الوزرای طالبان خواستار دسترسی شهروندان افغانستان به حقوق‌شان شده است. آژانس باختر، خبرگزاری دولتی که زیر کنترل طالبان فعالیت دارد، پیش از چاشت روز یکشنبه، ۴ جدی، در توییتی به نقل از ملا برادر، معاون رییس‌الوزرای طالبان، نوشته است که مردم نباید از حقوق‌شان محروم شوند. او این اظهارات را در نشست معافیت از جرایم مالیاتی در ارگ بیان کرده است.

هرچند توضیحات بیشتری در پیوند به این گفته ملا برادر ارائه نشده، اما در روزهای اخیر انتقادهای گسترده‌ای از سلب حق آموزش، تحصیل و کار زنان از سوی طالبان، صورت گرفته است.

پیش از این نیز شماری از مقام‌های طالبان مخالفت‌شان را با تصمیم‌های اخیر رهبر این گروه اعلام کرده‌اند.

این در حالی است که بر بنیاد گزارش‌ها، ملا هبت‌الله آخوندزاده، رهبر طالبان، دیدار با سراج‌الدین حقانی و ملا یعقوب بر سر لغو منع تحصیل زنان را رد کرده است.



منع فروش سیم‌کارت و ارائه خدمات مخابراتی به زنان در غزنی

۸صبح، غزنی: منابع محلی در غزنی می‌گویند که مأموران امر به معروف و نهی از منکر طالبان به شبکه‌های مخابراتی در این ولایت گفته‌اند که به مراجعان زن خدمات ارائه نکنند.

منابع در غزنی می‌گویند که محتسبان امر به معروف و نهی از منکر طالبان روز یکشنبه، ۴ جدی، دستور منع فروش سیم‌کارت و دیگر خدمات مخابراتی به زنان را داده‌اند.

مأموران ریاست امر به معروف و نهی از منکر طالبان در غزنی به مراکز فروش و خدمات مشتریان شرکت‌های مخابراتی دستور داده‌اند که پس از این به زنان اجازه ورود به این مراکز را ندهند.

طالبان در غزنی هشدار داده‌اند که در صورت تخلف از این امر، شبکه‌های مخابراتی با برخورد جدی مواجه خواهند شد.

طالبان در روزهای گذشته با صدور فرمان‌های جداگانه محدودیت‌های شدیدتری بر زنان وضع کرده‌اند.



طالبان از تصمیم‌های غیرمسوولانه خود عقب‌نشینی کنند

در کنار مقام‌های کشورهای غربی، نماینده‌گان نهادهای حقوق بشری نیز منع کار زنان در موسسه‌های داخلی و خارجی را محکوم کرده‌اند. ریئا امیری، نماینده ویژه وزارت خارجه امریکا در امور حقوق بشر و زنان، در توییتی نوشته است که این تصمیم طالبان «ظالمانه و بی‌رحمانه» است. او همچنان گفته است: «این تصمیم ظالمانه و بی‌رحمانه دیگری است که زنان را مجازات می‌کند و کمک‌های بشردوستانه را در معرض خطر قرار می‌دهد که میلیون‌ها افغان در این زمستان دشوار به آن وابسته‌اند. طالبان جان افغان‌ها را به خطر می‌اندازد و کشور را بیشتر به مسیر خطرناک سوق می‌دهند.»



فهم امین

تصمیم‌های زن‌ستیزانه اخیر طالبان به‌ویژه منع کار زنان در سازمان‌ها و موسسه‌های غیردولتی، واکنش‌های گسترده‌ای را در سطح ملی و بین‌المللی برانگیخته است. شماری از مقام‌های کشورهای غربی دستور منع کار زنان در افغانستان را یک تصمیم «غیرمسوولانه» خوانده‌اند. سازمان‌های بین‌المللی این تصمیم طالبان را «تقص آشکار اصول بشردوستانه» توصیف کرده و از پیامدهای ناگوار آن در آینده نزدیک هشدار داده‌اند. همچنان در دو روز گذشته دست‌کم پنج موسسه خارجی در اعتراض به این تصمیم طالبان فعالیت‌های خود را در افغانستان متوقف کرده‌اند. با این حال، مقام‌های کشورهای غربی، سازمان‌های بین‌المللی بشردوستانه و چهره‌های سیاسی ملی و بین‌المللی از رهبران طالبان می‌خواهند تا درباره تصمیم‌های زن‌ستیزانه خود تجدید نظر کنند. طالبان اما تاکنون به این خواسته‌ها پاسخی ارایه نکرده‌اند.

صحرا کریمی، رییس پیشین «افغان‌فلم» و کارگردان فلم‌های داستانی، حضور زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و در عین حال مدنی را جزو جدایی‌ناپذیر جامعه‌های عنوان می‌کند که به سوی پیشرفت گام برمی‌دارد. خانم کریمی در واکنش به تعلیق کار زنان در موسسه‌های غیردولتی، به روزنامه ۸صبح می‌گوید: «گروه طالبان با افکار بدوی و همچنین ضدانسانی به‌خوبی می‌دانند که برای فلج کردن گام‌های پیشرفت در یک جامعه، باید زنان آن جامعه را حذف کنند. هر اقدامی که طالبان برای هرچه بیشتر محدود کردن زنان اتخاذ می‌کنند، همانا در راستای رسیدن به هدف حذف کردن زنان است.»

خانم کریمی مبارزه زنان افغانستان در برابر محدودیت‌های سخت‌گیرانه طالبان را می‌ستاید و بر اتحاد اجتماعی و مدنی همه‌گیر در کشور تأکید دارد. او می‌افزاید: «تنها اقلیت زنان [در افغانستان] مبارزه می‌کنند و باربار سرکوب شده‌اند. در بیرون از افغانستان، هم‌وطنان ما اعتراض‌هایی در فضای مجازی می‌کنند، اما چون با عدم حمایت قاطع جامعه جهانی مواجه‌اند، این اعتراضات تاکنون به اتخاذ اقدامات اجرایی مهمی منتهی نشده است.» به گفته او، مبارزه‌های پراکنده شهروندان افغانستان در داخل و بیرون از کشور، نیز می‌تواند نتیجه‌بخش باشد و «ریشه ظلم طالبانی» را نابود خواهد ساخت.

گروه کاری مشترک جامعه مدنی نیز با نشر بیانیه‌ای، منع کار زنان در موسسه‌های غیردولتی از سوی طالبان را نکوهش کرده است. در بیانیه این گروه آمده است: «وضع فاجعه‌بار و ممانعت بر کار زنان در موسسات غیردولتی داخلی و خارجی در افغانستان توسط گروه طالبان خلاف تمامی اصول و ارزش‌های ملی، اسلامی،

قوانین بین‌المللی و ارزش‌های حقوق بشری بوده و این تصمیم در قرن بیستویک تاسف‌بار و مایه ننگ تاریخی است.» در این بیانیه همچنان آمده است: «متأسفانه با گذشت هر روز از حضور گروه طالبان در افغانستان شاهد وخیم‌تر شدن اوضاع و وضع محدودیت‌های فاجعه‌بار بیشتر بر شهروندان و مخصوصاً تبعیض و ستم آشکار در برابر زنان و دختران می‌باشیم.»

این گروه از جامعه جهانی و شورای امنیت سازمان ملل خواسته است تا برای تغییر سیاسی و ایجاد نظام دموکراتیک و مردم‌سالار که مشروعیت آن از اراده مردم افغانستان منشا بگیرد، در کنار مردم افغانستان قرار بگیرند و اقدامات عملی داشته باشند. در بیانیه این گروه توضیح داده شده است: «یک بار دیگر تقاضای ما از جامعه جهانی و کشورهای منطقه و سازمان ملل این است که به سیاست مدارا در برابر جنایات بشری از سوی این گروه و محدودیت و ستم بر زنان را پایان داده و اقدامات عاجل در زمینه تامین حقوق اساسی مردم افغانستان و ایجاد یک راه حل اساسی و بنیادی را برای افغانستان روی دست گیرند.»

فضل‌احمد معنوی، وزیر عدلیه حکومت پیشین، دستور منع کار زنان در موسسه‌ها را «جهالت طالبان» خوانده است. آقای معنوی در توییتی نوشته است: «میان جاهل عرب که دختران را زنده به گور می‌کرد و عمل طالب که وجود دختر را ننگ پنداشته و از اجتماع حذف می‌کند، تفاوتی نیست. کار جاهل عرب فردی و استثنایی بود، اما عمل طالب گروهی، حاکمانه و به نیت ثواب.» او افزوده است: «طالب رفتنی است، نگذاریم همه چیز را نابود کند. چاره‌ای غیر از مقاومت و اتحاد نیست.»

در کنار این، زنان و دختران در پایتخت و بزرگ‌شهرهای دیگر کشور نیز این تصمیم طالبان را شوکه‌کننده توصیف کرده و آن را نکوهش می‌کنند. آنان از جامعه جهانی می‌خواهند تا فشارهای سیاسی را بالای طالبان افزایش دهد تا این گروه به تامین حقوق شهروندان تن بدهد.

واکنش کشورها به تصمیم طالبان

تام وست، نماینده ویژه ایالات متحده امریکا در امور افغانستان، یک روز پس از صدور دستور منع کار زنان از سوی طالبان در توییتی نوشته است: «فرمان طالبان که زنان را از کار در رسانیدن کمک‌های بشردوستانه منع می‌کند، بسیار غیرمسوولانه است. این تصمیم خطرات مرگباری را برای میلیون‌ها انسانی که به کمک‌های حیاتی متکی هستند، به بار می‌آورد. طالبان ابتدایی‌ترین مسوولیت‌های خود را در برابر مردم خود نادیده می‌گیرند.»

انتونی بلینکن، وزیر خارجه ایالات متحده امریکا، نیز به این تصمیم طالبان واکنش نشان داده است. او دستور منع کار زنان و دختران افغانستان در موسسه‌های غیردولتی داخلی و خارجی را یک اقدام ویرانگر برای افغانستان توصیف کرده است. آقای بلینکن هشدار داده است که این تصمیم تازه طالبان، می‌تواند روند ارسال کمک‌های حیاتی بشردوستانه به میلیون‌ها شهروند افغانستان را با چالش مواجه سازد.

مقام‌های ارشد دولت ناروی نیز به این تصمیم طالبان واکنش نشان داده‌اند. انیکن هویفلدت، وزیر خارجه ناروی، گفته است: «این تصمیم باید هرچه زودتر معکوس شود. ناروی یک‌جا با شرکای خود اوضاع را بررسی خواهد کرد و پاسخ مناسبی صادر خواهد کرد.» اتحادیه اروپا نیز از تصمیم ممانعت کار زنان در موسسه‌ها انتقاد کرده است. سخنگوی جوزپ بورل، مسوول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، گفته است که منع زنان از کار در موسسه‌های غیردولتی، محدودیت جدی بر استفاده از حقوق بشری و آزادی‌های سیاسی این قشر جامعه است.

ملانی جولی، وزیر خارجه کانادا، منع کار زنان در افغانستان از سوی طالبان را بیانگر نادیده گرفته شدن کامل حقوق زنان خوانده است. سفارت استرالیا برای افغانستان نیز تعلیق کار زنان در موسسه‌ها را به زبان شهروندان فقیر کشور توصیف کرده و گفته است که این دستور طالبان خلاف اصول بشردوستانه است و زنان را بیشتر به حاشیه می‌راند.

واکنش سازمان‌های بین‌المللی

در کنار مقام‌های کشورهای غربی، نماینده‌گان نهادهای حقوق بشری نیز منع کار زنان در موسسه‌های داخلی و خارجی را محکوم کرده‌اند. ریئا امیری، نماینده ویژه وزارت خارجه امریکا در امور حقوق بشر و زنان، در توییتی نوشته است که این تصمیم طالبان «ظالمانه و بی‌رحمانه» است. او همچنان گفته است: «این تصمیم ظالمانه و بی‌رحمانه دیگری است که زنان را مجازات می‌کند و کمک‌های بشردوستانه را در معرض خطر قرار می‌دهد که میلیون‌ها افغان در این زمستان دشوار به آن وابسته‌اند. طالبان جان افغان‌ها را به خطر می‌اندازد و کشور را بیشتر به مسیر خطرناک سوق می‌دهند.»

در همین حال رامیز ال‌اکبروف، معاون نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل متحد برای افغانستان، در توییتی نوشته است که از این تصمیم طالبان متاثر شده است.

به گفته معاون نماینده دبیرکل سازمان ملل برای افغانستان، او از نشر گزارش‌هایی عمیقاً نگران است که از سوی مقام‌های بالفعل افغانستان نشر شده و براساس آن، کارمندان زن سازمان‌های ملی و بین‌المللی از رفتن به کار منع شده‌اند. ال‌اکبروف در این توییت افزوده است که این دستور طالبان «تقص واضح اصول بشردوستانه است.»

جورج لاریادجی، مدیر منطقه‌ای صندوق وجهی سازمان ملل متحد برای کودکان (یونیسف) روز یکشنبه، ۴ جدی، گفته است که ممنوعیت زنان افغانستان از کار، پیامد ناگواری در بخش ارایه خدمات صحتی، تغذیه و آموزش به کودکان این کشور خواهد داشت. آقای ادجی از مقام‌های طالبان خواسته است که به زنان در این کشور اجازه دهند تا مأموریت نجات خانواده‌های نیازمند و جوامع در معرض خطر را به پیش ببرند.

استفان دوجاریک، سخنگوی دبیر کل سازمان ملل متحد، روز یکشنبه، ۴ جدی، با نشر بیانیه‌ای گفته است که آنتونیو گوترش، دبیر کل این سازمان، از شنیدن خبر منع کار زنان در موسسه‌ها ناراحت شده است. برینید معلوماتی که در این بیانیه درج است، توقف کار زنان در سازمان‌های محلی و بین‌المللی در افغانستان روند ارایه کمک‌های بشردوستانه و حیاتی به ۲۸ میلیون نیازمند را تضعیف خواهد کرد. سازمان ملل متحد ارایه موثر کمک‌های بشردوستانه را نیازمند حضور امن و بدون مانع امدادگران به‌ویژه زنان دانسته است.

کمیته بین‌المللی نجات (IRC) گفته است که از تصمیم

طالبان درباره ممنوعیت کار زنان در موسسه‌های غیرحکومتی داخلی و خارجی ناامید شده است. کمیته بین‌المللی نجات در افغانستان در حال حاضر بیش از سه هزار کارمند زن دارد. این نهاد بین‌المللی حضور زنان در رساندن کمک‌های بشردوستانه و رسیدگی به نیازمندان در افغانستان را مهم عنوان کرده و خواستار لغو این تصمیم طالبان شده است.

مذاکره برای رفع محدودیت

با این حال، دفتر هماهنگی کمک‌های بشری سازمان ملل متحد (اوپا) در افغانستان ضمن محکوم کردن تصمیم تازه طالبان مبنی بر تعلیق کار زنان در موسسه‌های غیردولتی می‌گوید که قرار است مقام‌های ملل متحد در افغانستان در مورد این دستور جدید با رهبران طالبان دیدار و گفت‌وگو کنند. این اداره اضافه کرده که زنان در افغانستان باید قادر به ایفای نقش حیاتی در همه عرصه‌های زنده‌گی به شمول واکنش بشردوستانه باشند. به باور دفتر هماهنگی کمک‌های بشری سازمان ملل متحد، این تصمیم طالبان به آسیب‌پذیرترین افراد جامعه به‌ویژه زنان و دختران در افغانستان آسیب می‌رساند.

این در حالی است که وزارت اقتصاد طالبان روز شنبه، ۳ جدی، طی مکتوبی زنان و دختران را از حق کار در سازمان‌ها و موسسه‌های خارجی و داخلی غیردولتی محروم کرده است. این مکتوب از سوی سرپرست وزارت اقتصاد طالبان صادر و امضای دین‌محمد حنیف مزین شده است. سرپرست وزارت اقتصاد طالبان توضیح داده است که این تصمیم به دلیل رعایت نشدن حجاب اسلامی، روی دست گرفته شده است. در این مکتوب آمده است: «در این اواخر شکایت جدی مبنی بر عدم رعایت حجاب اسلامی و سایر قوانین و مقررات نافذ امارت اسلامی مرتبط به این امر در سطح کارکرد طبقه اناث در موسسات غیردولتی داخلی و خارجی به ملاحظه رسیده است.»

در این مکتوب اضافه شده است: «این وزارت به منظور رفع مسوولیت و رسالتی که در تطبیق قوانین و مقررات نافذ امارت در راستای کاری موسسه‌های غیردولتی داخلی و خارجی داشته و دارد، به عموم موسسه‌های محترم هدایت داده می‌شود الی هدایت ثانی تمام کارمندان اناث که در بخش‌های مربوطشان وظیفه می‌نمایند، کارشان را متوقف نمایند.» سرپرست وزارت اقتصاد طالبان همچنان هشدار داده است، در صورتی که موسسه‌های داخلی و خارجی طبق دستور این وزارت عمل نکنند، جواز فعالیت آنان در افغانستان لغو خواهد شد.

به دنبال صدور این دستور تازه طالبان، در دو روز گذشته دست‌کم پنج موسسه خارجی از توقف فعالیت‌های خود در افغانستان خبر داده‌اند. کارمندان موسسه‌های دی‌آرسی، سیف‌دچلدرن، انترتاس و اس‌اس‌ای به روزنامه ۸صبح تأیید کرده‌اند که دیروز (یکشنبه، ۴ جدی) ایمیلی از سوی رهبری این موسسه‌ها دریافت کرده‌اند که از آنان خواسته شده تا به محل کار نروند. از این پیش، روز شنبه، ۳ جدی، در پی دستور ممنوعیت کار زنان در موسسه‌های داخلی و خارجی، یکی از موسسه‌ها در ولایت قندهار که ۱۲۰ کارمند زن داشت، فعالیتش را متوقف کرد.

حدود یک هفته پیش از صدور این دستور، طالبان تحصیل دختران در دانشگاه‌های دولتی و خصوصی را تعلیق کردند. این اقدام طالبان نیز واکنش‌های تند دانش‌آموزان دختر و پسر، شهروندان، چهره‌های سیاسی و مقام‌های ارشد کشورهای جهان را به همراه داشت. شماری از عالمان دین به‌ویژه پیش‌تازان علوم دینی در دانشگاه الازهر مصر گفته‌اند که این اقدام طالبان هیچ مطابقتی با اصول و موازین اسلامی ندارد.

طالبان از این پیش نیز محدودیت‌های بی‌شماری بر فعالیت‌های زنان وضع کرده‌اند. بستن مکتب‌ها به روی دختران بالاتر از صنف‌های ششم، منع ورود زنان به حمام‌های زنانه، آرایشگاه‌ها و ساحات تفریحی از دیگر محدودیت‌هایی است که در حدود یک‌سال‌ونیم گذشته از سوی طالبان بر زنان در افغانستان وضع شده است.

حکومت دینے طالبان و نقض حقوق بنیادین شهروندان

روستایی

سرکوب زنان و نادیده گرفتن اساسی‌ترین حقوق آن‌ها، زندانی کردن، شکنجه و کشتار مخالفان، وضع انواع قوانین و مجازات‌هایی که آزادی‌های فردی و اجتماعی را از بین می‌برد و تحقیر سیستماتیک شهروندان به بهانه‌های گوناگون از جمله اقداماتی است که گروه طالبان پس از بازگشت به قدرت روی دست گرفته است. در یکی از آخرین موارد، طالبان تصمیم گرفته‌اند دانشگاه‌های دولتی و خصوصی را در همه مناطق کشور به روی دختران ببندند. قبل از آن، طالبان مکاتب متوسطه و لیسه را نیز به روی دختران بسته‌اند. در تازه‌ترین مورد، گروه طالبان فرمان صادر کرده که زنان حق کار کردن در نهادهای غیردولتی داخلی یا خارجی را ندارند. این است مشتی از نمونه خروار از مصیبت‌هایی که «حکومت اسلامی تحریک طالبان» در افغانستان به بار آورده است.

برای ناظرانی که با ایدیولوژی، طرز تفکر و خاستگاه فکری طالبان آشنایی دارند، چنین اتفاقاتی شوک‌آور و غافل‌گیرکننده نبود. وقتی به سرچشمه‌های تفکر طالبانی مراجعه کنید، درمی‌یابید که دشمنی با زن و ترقی بخشی از ایدیولوژی طالبان را تشکیل می‌دهد و بخشی از ماهیت این گروه است و اگر چیزی جز این از طالبان و طالبانیسم توقع داشته باشیم، معنایش این است که ساده‌لوحیم و عمق قضایا را درک نمی‌کنیم. مصیبت کبرا زمانی رخ می‌نماید که این ایدیولوژی با ذهنیت قبیله‌ای عجین می‌شود و با فرهنگ و عنعنات قبایلی درهم می‌آمیزد. در آن حالت، حاصلی جز انحطاط و تباهی و ادبار برای جامعه‌ای که چنین طرز تفکری بر آن حکم‌فرما است، به ارمغان نخواهد آورد.

موضوع دیگری که یادکرد آن در مقام تبیین و نقد عمل کرد زن‌ستیزانه و تمدن‌زدایانه طالبان مناسب است، این است که غالب حکومت‌هایی که در دوران معاصر براساس دین تشکیل یافته و داعیه دولت دینی بودن را داشته‌اند، همان رفتارهایی را از خود نشان داده‌اند که رژیم طالبان نشان می‌دهد و شاید تفاوتی اگر وجود داشته، در نوع این اقدامات نبوده، بل در شدت و ضعف آن بوده است. با وجود این، پرشمارند اشخاصی که داعیه برقراری حکومت دینی را دارند و آن را یگانه راه حل



مجامع بین‌الملل و از جمله سازمان ملل متحد باید از موضع انفعال بیرون آیند و فعال‌تر شوند و از هر راه ممکن بکوشند جلو رفتارهای قرون وسطایی طالبان را بگیرند و طالبان را مهار و مجبور کنند تا با مردم افغانستان مسؤولانه رفتار کنند و خود را حاکمانی بشمارند که در قرن بیست‌ویکم بر مردم قرن بیست‌ویکم بر مردم حکمروایی می‌کنند و منطق جهان معاصر را می‌شناسند.

است که دولت مدرن توسط یک عالم دین مدیریت شود و نصوص دینی منبع اصلی قانون‌گذاری باید باشد. مخاطب داشتن ایده‌ها و عقایدی که جریان‌های اسلام سیاسی ترویج می‌کند، سبب شده که زمینه برای مثلاً شکل‌گیری دولت طالبان، با آن رفتارهای بدوی و تمدن‌ستیزانه‌اش، در قرن بیست‌ویکم مساعد شود، حال آن‌که در نگاه نخست، چنین اتفاقی شاید عجیب و باورنکردنی به نظر برسد. این‌که می‌بینیم بسیاری از کشورهای اسلامی نمی‌خواهند اقدامات زن‌ستیزانه و قرون وسطایی طالبان را به‌صراحت محکوم و تقبیح کنند، بلکه به اظهار تأسف و نگرانی بسنده می‌کنند، معنایش این است که آن‌ها می‌دانند در میان شهروندان کشورهای خودشان افرادی هستند که مدل حکومت‌داری طالبان را می‌پسندند و نباید با واکنش تند نشان دادن در برابر طالبان، ناخرسندی آن عده از شهروندان‌شان فراهم شود.

به رغم واکنش خفیف اکثریت کشورهای اسلامی در برابر اقدامات اخیر طالبان، این حقیقت را نمی‌توان کتمان کرد که محروم کردن نیم نفوس جامعه از حق تحصیل و کار، موضوعی سیاسی یا نظامی نیست که آن را از مسایل داخلی هر کشور به شمار آورد، بلکه

برای مقابله با چالش‌ها و نابه‌سامانی‌ها می‌شمارند و حتا حاضرند برای متقاعد کردن مردم به پذیرش چنین مدل حکومتی، دست به جنایت بزنند و آدم ترور کنند و ایجاد و رعب و وحشت کنند و هزار و یک زشتی دیگر را مرتکب شوند.

شاید اگر تلاش برای برقراری حکومت دینی منحصر در شماری از سازمان‌ها تروریستی و افراطی باقی می‌ماند، چندان اشکالی به وجود نمی‌آورد، اما این‌که بخش قابل توجهی از مسلمانان از ایده تأسیس حکومت دینی پشتیبانی و گمان می‌کنند با ایجاد حکومت اسلامی می‌توان بر مصایب و چالش‌ها فایز آمد و مدینه‌ای آرمانی پدید آورد، کلاف را سردرگم و مساله را مغلط می‌کند. تمایل بخشی از مسلمانان به تأسیس حکومت دینی، زمینه را برای رسوخ سریع و آسان تبلیغات اسلام سیاسی در میان آن‌ها فراهم می‌آورد. اسلام سیاسی از تمایل مسلمانان برای ایجاد حکومت دینی استفاده می‌کند و ایدیولوژی‌اش را در اذهان‌شان تزریق می‌کند. اسلام سیاسی باورمند به این است که دین با سیاست قابل جمع است و حتا مدعی است که دیانت عین سیاست است، قانون اساسی دولت باید تصریح کند که دین دولت اسلام است، همچنین ممکن و حتا شایسته

نافرمانی مدنی؛ یا همه یا هیچ کس

آسو



ابا ورزیده‌اند. آغاز این روند طالبان را شوکه کرد. آن‌ها پیش‌بینی نمی‌کردند که مردم افغانستان در برابر آن‌ها چنین موضع‌گیری سرسختانه‌ای خواهند داشت. هرچند نگارنده تأکیدش این است که هنوز این نافرمانی‌ها و اعتراضات کافی نیست و باید در برابر طالبان جنبش‌های بزرگ و نافرمانی‌های عظیم شکل بگیرد؛ چرا که نافرمانی مدنی نوع مبارزه سیاسی برای احقاق حقوق و مسیر رسیدن حق‌دار به حقش است. آموزش حق حیاتی و طبیعی انسان‌ها است و هیچ کسی توانایی سلب این حق را ندارد. حالا که طالبان پیوسته حق انسانی مردم افغانستان را سلب می‌کنند، راه‌های زیادی برای مبارزه از جمله نافرمانی مدنی، اعتراض و حتا جنگیدن در برابر این گروه وجود دارد. آموزش، کار، فعالیت و حضور در اجتماعی حق همه است. شعار «یا همه یا هیچ کس» می‌تواند یک تحول بزرگ را در پی داشته باشد. مردان افغانستان می‌بایست در کنار زنان بایستند و برای طبیعی‌ترین حق انسانی زنان مبارزه کنند. این یک مبارزه مشترک است که باید توسط همه صورت بگیرد و بعد می‌تواند «یا همه یا هیچ کس» معنای واقعی پیدا کند. افغانستان هیچ راهی جز پیروزی بر طالب و عبور از این گروه تبه‌کار و زن‌ستیز ندارد. آن‌هایی هم که طالب را حقیقت افغانستان می‌نامند، فراموش کرده‌اند که ۴۰ هزار تبه‌کار و تروریست و جاسوس که با خون و خشونت بزرگ شده‌اند، حقیقت چهل میلیون باشند افغانستان شده نمی‌توانند. نافرمانی مدنی و اعتراض و مبارزه مسلحانه باید دو بازوی واقعی برای مبارزه با طالبان باشد. افغانستان خانه همه است، یا همه یا هیچ کس.

برجسته‌گی مردم را نشان می‌دهد؛ این‌که با حداقل امکانات می‌توانند جلو استبداد ایستاده شوند و جلو دستورات و خودخواهی‌های یک حاکم جبار را بگیرند. از چند روز به این‌سو صد‌ها تن از استادان دانشگاه و دانشجویان صنف‌های درسی را خالی کرده و اعتراض خود را با ترک صنف‌های درسی و استعفا نشان داده‌اند. هرچند تنها اعتراض دانشجویان و استادان کافی نیست و باید تمام بخش‌های سیستم بروکراتیک زیر حاکمیت طالبان اعتراض خود را مبنی بر این تصمیم ظالمان اعلام کنند، اما این می‌تواند جرقه ایجاد کرده و سیستم اداری رژیم طالبان را فلج کند. مردم به‌صورت عموم باید به طالبان نشان دهند که زور آن‌ها زور خدا است و این گروه تبه‌کار نمی‌تواند خواسته‌های نامشروع خود را بر مردم تحمل کند. استعفای شمار زیادی از استادان دانشگاه‌ها یک روزنه خوب است و شاید تأثیر همین اعتراضات است که طالبان در آخرین کنش خود، تمام دانشگاه‌های نقاط گرم‌سر را بستند و دانشجویان پسر را رخصت کردند. نخستین موج این اعتراضات از دانشگاه ننگرهار بلند شد و بعد به نقاط دیگر افغانستان سرایت کرد.

نافرمانی مدنی نوعی از اعتراض به سیاست‌های دولتی است که با بی‌اعتنایی به قانون‌های اجرایی توسط رژیم مستبد، سعی در تضعیف آن دارد. از آن‌جایی که قانون یکی از عناصر مهم دولت‌داری است، بی‌اعتنایی به قانون توسط مردم می‌تواند رژیم‌های استبدادی را با چالش مواجه کند. از این روش در کشورهای متفاوت از جمله هند که به استقلال این کشور توسط گاندی انجامید، آفریقای جنوبی که درگیر آپارتاید و

گلوگاه فشار روانی برای بیماران رهسپار پاکستان



آزادیت و تحقیر بیماران در مرز اسپین بولدک به یک امر طبیعی مبدل شده است. هزاران شهروند افغانستان که به دلیل مجبوریت روزانه به پاکستان می‌روند، ناگزیر به تحمل این همه نابه‌سامانی‌اند. در مسیر رفت دغدغه اصلی یافتن یک لغری مناسب است که بتواند آنان را از ایست‌های بازرسی پولیس پاکستان عبور دهد. علاوه بر پرداخت پول، انتظار و آزادیت پولیس نیز در بیشتر ایست‌های بازرسی وجود دارد؛ زیرا در بیشتر این ایست‌ها، میان پولیس و لغریان در مقدار پول پرداختی اختلاف به وجود می‌آید و پولیس بیماران و همراهان‌شان را به صورت خشونت‌آمیز برگشت می‌دهند.

۸ صبح، هرات

مرز اسپین بولدک، پس از تورخم مهم‌ترین بندر افغانستان با پاکستان شمرده می‌شود. افزون بر واردات و صادرات کالاهای بازرگانی میان دو کشور، روزانه هزاران تن از طریق این مرز جهت تداوی عازم پاکستان می‌شوند. تحقیر، اخاذی مسوولان پاکستانی و افراد ارتباطی آنان و تمایز میان بیماران و همراهان‌شان براساس قوم، زبان و محل سکونت، از نابه‌سامانی‌هایی است که شهروندان افغانستان در مسیر رفت و برگشت از طریق این مرز تجربه می‌کنند. براساس روایت شهروندانی که از این مسیر رفت‌وآمد کرده‌اند، این محل چیزی کمتر از گلوگاه فشار روانی بر بیماران افغان و همراهان‌شان نیست. یافته‌های این گزارش از طریق گفت‌وگوی مستقیم با شماری از مسافرائی گردآوری شده که از این مرز به پاکستان سفر کرده‌اند.

بیشتر مسافرانی که در این گزارش با آنان گفت‌وگو شده است، از وجود تمایز و تبعیض آشکار میان شهروندان افغانستان براساس قوم، زبان و محل سکونت، توسط پولیس پاکستان در مرز اسپین بولدک شکایت دارند. آنان می‌گویند که پولیس پاکستان برای مسافرانی که شناسنامه قندهار و هلمند را دارند، نسبت به مسافران حوزه جنوب غرب سهولت‌های بیشتری فراهم می‌کنند. دانستن زبان پشتو و نیز کسانی که در شناسنامه‌های‌شان قوم پشتون نوشته باشد، یک امتیاز است.

حاجی حمیدالله حبیبی، باشنده هرات که همسرش را برای درمان به پاکستان برده است، می‌گوید: «در اسپین بولدک وقتی برسید، احساس می‌کنید که در یک محیط بیگانه رفته‌اید و این‌جا وطن شما نیست. کسانی که تذکره هلمند و قندهار را داشته باشند، پولیس پاکستان تذکره‌شان را یک تابه به رنگ سرخ می‌زند و این به معنای اجازه عبور است و در مسیر راه تا رسیدن به چمن ایست‌های بازرسی بدون هیچ‌گونه ممانعتی به او اجازه می‌دهند که مسیرش را ببیماید. اگر شناسنامه شما از دیگر ولایت‌ها باشد، اما پشتو حرف بزنید و یا هم در شناسنامه شما قوم پشتون نوشته شده باشد، باز هم یک امتیاز به حساب می‌آید و می‌توانید آسان‌تر و با پرداخت پول کمتر از مرز عبور کنید. اما برای کسانی که هیچ‌یک از این شرایط را ندارند، مسیر سخت است. قاچاق‌بران محلی که مردم آنان را لغریان می‌نامند و با پولیس پاکستان هماهنگ‌اند، می‌توانند در بدل پول شما را از مرز عبور دهند.»

این مسافر می‌افزاید: «وقتی در یکی از ایست‌های بازرسی پولیس پاکستان مرا ایستاد کرد و به تذکره‌ام نگاه کرد، به پشتو گفت پشتون هستی؟ گفتم بلی. گفت پس پشتو صحبت کن. گفتم ما پشتون‌های

هرات فارسی صحبت می‌کنیم. پشتو می‌فهمم، ولی صحبت کرده نمی‌توانم. لغری که رهنمایم بود، ۵۰۰ کلدار برایش داد، پولیس با سلیلی به صورتش زد و گفت فارسی‌وان را به ۵۰۰ از پیش من می‌بری، ۱۵۰۰ کلدار بده. بعد از کش‌و‌گیر به یک هزار کلدار قناعتش داد. فکر کنم تا وقتی از مرز بیرون شدیم، شش ایست بازرسی بود و بدون استثنا باید به همه پول پرداخت می‌شد.»

به گفته این مسافر، تبعیض و تمایز موجود در مرز اسپین بولدک، در میان شهروندان افغانستان کدورت ایجاد می‌کند و وحدت ملی را خدشه‌دار می‌سازد؛ زیرا به سخن او، زنجیره فساد از اسپین بولدک شروع می‌شود که همه لغریان شهروندان افغانستان هستند و این همه سوءاستفاده از ناگزیری مردم در زیر ریش طالبان انجام می‌شود.

بازار گرم لغریان در اسپین بولدک

«لغریان» اصطلاح است که شاید تنها در اسپین بولدک در مرز میان افغانستان و پاکستان به کار برده شود. لغری به کسی گفته می‌شود که در تبنی با مرزبانان طالبان و پولیس پاکستان در بدل پول شهروندان افغان را از مرز اسپین بولدک تا چمن که جزو ایالت بلوچستان پاکستان است، انتقال می‌دهد. وقتی بیماران و همراهان آنان در آخرین نقطه بازار اسپین بولدک نزدیک دروازه ورودی به پاکستان از موتور پیاده می‌شوند، ده‌ها تن از لغریان به سوی آنان می‌شتابند و با پیشنهاد قیمت‌های مختلف و توصیف از کارکرد خود تلاش می‌کنند این‌ها را قانع سازند که جهت عبور از مرز با آن‌ها بروند.

هزینه انتقال افراد ثابت نیست و در مواقعی که تنش‌ها میان طالبان و مرزبانان پاکستان بالا می‌گیرد، تا مدتی تا مرز ۳۰ هزار کلدار نیز می‌رسد. در شرایط عادی از ۳ هزار کلدار شروع و تا ۱۰ هزار کلدار هم گاهی برای بیماران هزینه برمی‌دارد. به هر میزانی که فرد با محیط آشنا باشد و رفت‌وآمد قبلی داشته باشد، هزینه کمتری را متحمل خواهد شد. بیشترین هزینه را کسانی می‌پردازند که برای نخستین بار به پاکستان سفر می‌کنند.

عبدالسلام نوری، باشنده ولسوالی انجیل هرات که چندین بار به‌عنوان همراه مریض از این مرز به پاکستان رفته است، روایت می‌کند: «من اولین باری که رفتم، دو تن از اعضای فامیل مریض بودند. چون کسی را نمی‌شناختم، لغریان از ما ۲۱ هزار کلدار گرفتند؛ یعنی از هر نفر هفت هزار؛ اما دفعات بعدی که راه‌بلد شدم و فهمیدم، هر باری که می‌رفتم، از هر نفر سه تا چهار هزار کلدار بیشتر به لغریان ندادم.» این مسافر در مورد فساد و تبنی میان لغریان و پولیس پاکستان می‌گوید: «لغریان در جیب

خود چندین تذکره دارند. این تذکره‌ها جعلی و با عکس و مشخصات باشنده‌گان اسپین بولدک است. تذکره‌ها را به دست مریض می‌دهند، به ما رهنمایی می‌کنند که وقتی برسید از کجا هستید، بگویید از اسپین بولدک هستیم. ما هم وقتی به تلاشی پولیس می‌رسیدیم، چنین می‌گفتیم. لغری هم پول را به دست پولیس می‌داد و بدون این‌که به عکس و مشخصات تذکره نگاه کند، اجازه می‌داد. همین قسم تا آخرین محل تلاشی پولیس پاکستان جریان داشت.»

شرایط عبور از مرز اسپین بولدک اما همواره این‌گونه نیست. هرازگاهی که تنش‌های مرزی میان دو کشور بالا می‌گیرد، بیماران با سخت‌گیری شدید و خشونت‌آمیز پولیس پاکستان روبه‌رو می‌شوند. عبدالسلام می‌افزاید: «پس از درگیری‌های چند روز پیش، مریض عاجل پیدا شد. مجبور شدم پاکستان ببرم، اما مرز بسته بود. چون مریض عاجل بود، مجبور شدم از هر نفر ۳۰ هزار کلدار پرداخت کنم تا اجازه دادند وارد پاکستان شوم.»

اخاذی و رشوت‌ستانی تنها در مسیر رفتن خلاصه نمی‌شود، بلکه شهروندان افغان در برگشت نیز ناگزیرند به پولیس این کشور یک مقدار پول بپردازند. عبدالظاهر، باشنده ولسوالی پشتون‌زرغون ولایت هرات، می‌گوید که در برگشت نیز از او و دو بیمار همراهش پول گرفته‌اند: «وقتی برگشتیم، در آخرین محل تلاشی پولیس تذکره مرا نگاه کرد و به دست یک نوجوان لباس شخصی داد. او مرا گوشه کرد و گفت چند نفر هستید. گفتم سه نفر. گفت شش هزار کلدار بده. گفتم برای چه. گفت اگر ندی، اجازه نمی‌دهد بروید. بعد از جروبحث‌های زیاد و یک ساعت انتظار، به یک هزار کلدار برای هر نفر قناعت کرد و اجازه داد بیرون شویم.»

تحقیر و توهین بیماران در رفت و برگشت

آزادیت و تحقیر بیماران در مرز اسپین بولدک به یک امر طبیعی مبدل شده است. هزاران شهروند افغانستان که به دلیل مجبوریت روزانه به پاکستان می‌روند، ناگزیر به تحمل این همه نابه‌سامانی‌اند. در مسیر رفت دغدغه اصلی یافتن یک لغری مناسب است که بتواند آنان را از ایست‌های بازرسی پولیس پاکستان عبور دهد. علاوه بر پرداخت پول، انتظار و آزادیت پولیس نیز در بیشتر ایست‌های بازرسی وجود دارد؛ زیرا در بیشتر این ایست‌ها، میان پولیس و لغریان در مقدار پول پرداختی اختلاف به وجود می‌آید و پولیس بیماران و همراهان‌شان را به صورت خشونت‌آمیز برگشت می‌دهند. در چنین مواقعی، بیماران ناگزیرند برای چندین ساعت انتظار بکشند تا این چالش با میانجی‌گری لغریان دیگر حل شود. حاجی عبیدالله، باشنده ولسوالی گذره ولایت

هرات که تجربه تلخ انتظار در مسیر رفتن به مرز اسپین بولدک را دارد، حکایت می‌کند: «از دو محل تلاشی گذشتیم. وقتی به تلاشی سوم رسیدیم و پولیس فهمید که ما پشتو صحبت کرده نمی‌توانیم، از هر نفر دو هزار کلدار خواست. لغری برایش ۵۰۰ کلدار داد. با خشونت و هل دادن ما را برگشت داد. تقریباً سه ساعت ما را نگاه داشت و به شکل نظربند بودیم تا این‌که با وساطت لغریان دیگر به یک هزار و ۲۰۰ کلدار قانع شد و اجازه داد برویم.»

خشونت پولیس با مسافران در برگشت

خشونت پولیس در برگشت شهروندان افغانستان به کشور بیشتر اعمال می‌شود. به دلیل برگشت روزانه هزاران تن از این مرز و ازدحام بیش از حد، پولیس پاکستان عده‌ای از باشنده‌گان چمن را که کوچک‌ترین آگاهی در مورد نحوه برخورد با انسان‌ها ندارند، در ایستگاه‌های بازرسی در کنار خود دارند. این افراد موظف شده‌اند تا از خروج باشنده‌گان چمن که اجناس پاکستانی را به شکل قاچاق با خود به اسپین بولدک انتقال می‌دهند و به فروش می‌رسانند، جلوگیری کنند. پولیس و همکاران محلی‌شان به جای شناسایی و جلوگیری از این افراد، با پیپ‌های ضخیمی که در دست دارند، بدون استثنا بازگشت‌کننده‌گان را به شکل تحقیرآمیزی لت‌وکوب می‌کنند. کمتر کسی یافت می‌شود که در این میان از لت‌وکوب جان سالم به در ببرد.

محمدعمر، باشنده ولسوالی ادرسکن ولایت هرات که در هنگام برگشت از پاکستان در مرز اسپین بولدک مورد لت‌وکوب قرار گرفته است، چنین می‌گوید: «در عمر خود بی‌نظم و قانون‌شکن‌تر از مرز و پولیس پاکستان ندیده‌ام. جنس‌ها را مردم چمن قاچاق می‌کردند، این‌ها مردم ما را می‌زدند. یک نفر غیرنظامی که در کنار پولیس پاکستان بود، در وقت برگشت دو شلینگ به شان‌ام زد. به خدا قسم است که تا دو هفته آثار کبودی آن دیده می‌شد. ظالمان چندین نفر غیرمسلمی را ایستاده کرده بودند، به مثل گله حیوانات دسته‌جمعی با شلینگ بر شانه و سر و صورت مردم و مریض می‌زدند.»

مرز اسپین بولدک در زمان حکومت پیشین نیز به روی رفت‌وآمد بیماران افغانستان باز بود، اما این کار هیچ‌گاهی به شکل روش‌مند صورت نگرفت و هموار رشوت‌ستانی و آزادیت در آن وجود داشته است. پس از تسلط طالبان بر افغانستان، هرازچندگاهی به دلیل ناآگاهی طالبان از اصول و قواعد مرزی، افراد این گروه با مرزبانان پاکستانی برخورد‌های مسلحانه دارند. این برخوردها علاوه بر مسدود شدن مرز به روی رفت‌وآمد مسافران، سبب شده تا مرزبانان پاکستانی برخورد سخت‌گیرانه‌ای با بیماران افغانستان و همراهان‌شان داشته باشند.

بحران روزافزون انرژی در پاکستان



یونس نگاه

تقلای آن کشور برای پیدا کردن منابع خارجی نفت ارتباط می‌گیرد. قزاقستان، ترکمنستان، آذربایجان و قطر طرف‌های گفت‌وگو و معاملات پاکستان برای تهیه انرژی بوده‌اند. قطر تعهد سپرده است که برای ۱۰ سال، سالانه سه میلیون تن گاز مایع به پاکستان بفروشد. اما این مقدار گاز برای کشور ۲۲۵ میلیونی که منابع داخلی‌اش رو به اختتام است، مقدار معتنابهی نیست. بعد از حاکمیت طالبان، دیدارها بین ترکمنستان و پاکستان برای تکمیل پروژه تاپی بیشتر شد و پاکستانی‌ها امیدوار بودند که جریان انرژی از آسیای میانه به پاکستان به‌زودی تسریع شود. اما در عمل جز افزایش صادرات زغال افغانستان به آن کشور، پیشرفت دیگری در این راستا رخ نداد. گفت‌وگو با قزاقستان نیز بر سر انرژی جریان دارد، اما نبود پایپ‌لاین و نیز مشکلات راه و ترانزیت دسترسی به منابع انرژی آسیای میانه از جمله قزاقستان را برای پاکستان بیچیده ساخته است. تلاش آن کشور برای گشودن راه کوتاه ترانزیت از بدخشان که با واکنش‌های عمومی در افغانستان مواجه شد، حکایت از تشنه‌گی بیش‌ازحد آن کشور به انرژی دارد. تاکنون هیچ راه کوتاه و فوری میسر نبوده و همان‌گونه که سیاست‌های مداخله‌جویانه و اشغال‌گرانه آن کشور از دوران حاکمیت اول طالبان تا اکنون یکی از علت‌های تعویق انتقال پایپ‌لاین انرژی از آسیای میانه به شبه‌قاره هند شده، طمعش برای قبضه احتمالی واخان نیز تاثیرات سوء در پی داشته است.

منبع دیگری که پاکستان قصد دارد از آن‌جا انرژی وارد کند، آذربایجان است. در ماه جون امسال، سفیر آذربایجان در اسلام‌آباد، آقای خزر فرهادوف، در دیدار با وزیر انرژی پاکستان، آقای مصدق ملک، وعده سپرده بود که کشورش در بخش انرژی پاکستان سرمایه‌گذاری کند و نیز نفت و گاز به این کشور بفروشد. هفته قبل رسانه‌های پاکستان گزارش دادند که در ماه‌های جنوری و فبروری ۲۰۲۳، آذربایجان به مقدار ۲۰ هزار تن گاز به پاکستان صادر خواهد کرد و در ماه جنوری وزیران نفت روسیه و پاکستان نیز در مورد صادرات نفت خام از روسیه به پاکستان گفت‌وگو خواهند کرد. در واقع

چالش‌های بسیاری از جمله افزایش حملات ضددولتی در بلوچستان شده است که از نظر انرژی غنی‌ترین ایالت آن کشور است.

با جست‌وجو در خبرها و گزارش‌های مرتبط به انرژی پاکستان، می‌توان به عمق بحران و خطراتی که همسایه جنوبی ما در سال‌های پیش رو مواجه است، پی برد. ریاست نفت پاکستان اخیراً در گزارشی نوشته است که از ذخایر نفت و گاز داخلی چیز زیادی باقی نمانده است. گفته شده است که ۸۰ درصد منابع شناخته‌شده نفت پاکستان مصرف شده و آن‌چه باقی مانده، معادل حدود یک‌ونیم سال تقاضای کنونی کشور است. از آن‌جایی که اکنون نیز بخش بزرگ مصارف نفتی از خارج کشور تهیه می‌شود، با همین نرخ تولید تا نه سال آینده دیگر نفتی در ظرف داخلی پاکستان وجود نخواهد داشت.

به نقل از سرمقاله مورخ ۱۹ دسامبر روزنامه پاکستانی «دی اکسپرس تریبون»، پاکستان اگر در بخش انرژی غیراستخراجی سرمایه‌گذاری نکند، به‌زودی کاملاً به انرژی وارداتی وابسته خواهد شد. این وابسته‌گی با توجه به وضعیت کنونی مالی دولت پاکستان، بسیار چالش‌ساز خواهد بود. در وب‌سایت ریاست نفت پاکستان، امسال پنج اعلامیه مطبوعاتی نشر شده که چهارتای آن به

چندی قبل به دوستی که بعد از تحولات اخیر به پاکستان مهاجر شده است در فیس‌بوک پیام گذاشتم و احوالش را پرسیدم. او فردا به پیامم جواب داد. شماره واتس‌اپش را خواستم تا زنگ بزنم، او آن‌لاین نبود و فردا دیدم شماره‌اش را فرستاده است. به واتس‌اپ او پیام گذاشتم، دیدم آن‌لاین نیست. کسانی از شما نیز احتمالاً در تماس با دوستان‌شان در پاکستان با چنین مشکلاتی روبه‌رو شده‌اند. آنانی که از انترنیت وای‌فای استفاده می‌کنند، به دلیل بی‌ثباتی در رفت‌وآمد برق بیشتر وقت‌ها آن‌لاین نیستند.

دوستم گفت که در جریان ۲۴ ساعت، بیشتر ساعات برق ندارند. سال‌ها قبل وقتی ما در پاکستان مهاجر بودیم، در دورافتاده‌ترین کمپ‌ها نیز برق نسبتاً باثبات داشتیم و به‌ندرت چند ساعتی قطع می‌شد. در شهر کویت، آن زمان گاز فراوان بود و تقریباً تمام خانه‌ها به گاز کافی و دایمی دسترسی داشتند. اکنون اما چنین نیست. پاکستان با کمبود شدید انرژی دست به گریبان است. آگاهان می‌گویند که یکی از دلایل حمایت پاکستان از طالبان، امید آن کشور به دسترسی به بازار آسیای میانه و واردات انرژی از آن منطقه بوده است. اما حمایت طالبان نه‌تنها بازار آسیای میانه را به روی پاکستان نگشوده، بلکه در داخل آن کشور نیز باعث

امریکا، طالبان و دیپلماسی گروگان‌گیری

علی‌سجاد مولایی

گروگان‌گیری است. گروگان‌گیران معمولاً گروگان‌ها را در بهترین حالت به‌عنوان بیگانه و در بدترین حالت به‌عنوان دشمن و در نتیجه قابل مصرف می‌دانند. علاوه بر این، گروگان‌گیران معتقدند که با استفاده از گروگان‌ها می‌توانند شخص ثالث را وادار به دادن امتیاز کنند.

ملت گروگان گرفته‌شده

برای درک این‌که طالبان چگونه مردم افغانستان را گروگان گرفته‌اند، ضروری است که فلسفه رژیم آن‌ها را درک کنیم. طالبان مفهوم «حکومت برای مردم» را قبول ندارند. از نظر آن‌ها، نقش یک دولت خدمت به خداوند است که در مورد افغانستان، مسلمان کردن مجدد جمعیتی است که راه خود را از راه واقعی خدا گم کرده‌اند. طالبان باور به مفهوم شهروند ندارند. آن‌ها مردم افغانستان را رعیت فرض می‌کنند. در این مفهوم از حکومت، «رعیت» به جای حمایت یا خدمت، باید به دامان «اسلام واقعی» آورده شوند. در مورد ارایه خدمات عمومی، معاون نخست‌وزیر طالبان، مولوی عبدالکبیر، اخیراً اظهار داشته است که این گروه فرصت‌های خدماتی را برای اهل افغانستان (افغان‌های صالح) و «افغان‌های ناصالح» تمایز آن‌ها بین «افغان‌های صالح» و «افغان‌های ناصالح» زمانی آشکار می‌شود که بیانیه‌ها، قوانین و عمل‌کردهای طالبان را بررسی کنیم. به‌عنوان مثال، وزارت تحصیلات عالی طالبان گفته است که فارغ‌التحصیلان مکاتب در ۲۰ سال گذشته بی‌فایده‌اند و طالبان آن‌ها را به رسمیت نمی‌شناسند. وزیر عدلیه آن‌ها به تمامی ادارات در ولایات دستور داده است که فقط کسانی که در کنار طالبان جنگیده‌اند، به کار گرفته شوند. او قبلاً گفته بود کسانی که با دولت سابق کار می‌کردند، کافر و غیرقابل تحمل‌اند. در همین چند روز گذشته طالبان محدودیت‌های شدیدی مانند منع تحصیل دختران در دانشگاه‌ها و منع کار زنان در ادارات دولتی و غیردولتی را وضع کرده‌اند. وضع این محدودیت‌ها به معنای گروگان گرفتن یک ملت است.

مقام‌های مجری قانون امریکا برای مدت طولانی در برابر آزادی اتباع خارجی محکوم یا متهم به جنایات در ایالات متحده مقاومت می‌کردند. توافق برای به دست آوردن آزادی خانم گرینر، نگرانی‌های جدیدی را برانگیخت که امریکایی‌های بیشتری توسط دولت‌های متخاصم که به دنبال چیزی از ایالات متحده هستند، دستگیر شوند. این استراتژی در درون ایالات متحده با واکنش‌های فراوان روبه‌رو شده است. ماکسیمیلیان هیس در مقاله‌ای که برای فارن پالیسی نوشته، این استراتژی بایدن را یک اشتباه تاریخی قلمداد کرده است. او باور دارد که این استراتژی بایدن سبب تخریب پرستیژ بین‌المللی ایالات متحده شده است. ارونا ویسوناتا و جمیز اردی در مقاله‌ای که برای وال استریت ژورنال نوشته، گفته‌اند که ایالات متحده با اکره این وضعیت را قبول کرده است. این بدان معنا است که ایالات متحده در مقابل سایر کشورها آسیب‌پذیرتر شده است. ایران، کوریای شمالی و ونزوئلا از جمله کشورهایی‌اند که از این وضعیت سود می‌برند. طالبان نیز از این وضعیت سود برده‌اند/می‌برند. برای به رسمیت شناخته شدن، احراز کرسی افغانستان در سازمان ملل و دسترسی به پول‌های منجمدشده افغانستان، طالبان رویکرد دیپلماسی گروگان‌گیری را در مقابل جامعه بین‌المللی در پیش گرفته‌اند. دیپلماسی گروگان‌گیری معمولاً شامل وضعیتی است که در آن یک بازیگر بد، افراد یا دارایی‌ها را به گروگان می‌گیرد و از آن‌ها به‌عنوان اهرم فشار علیه یک دولت برای کسب برخی امتیازات استفاده می‌کند. گروگان‌گیری حداقل شامل سه طرف: یک گروگان، یک گروگان‌گیر و یک شخص ثالث است. در بسیاری از موارد یک دولت، تصور گروگان‌گیران از گروگان‌ها و شخص ثالث و همچنین رابطه بین هر سه، تعیین‌کننده‌ترین عامل در دیپلماسی

از آزادی این دو گروگان، این است که خبر آزادی این دو زندانی باعث شود کشورهای جهان کمتر به موضوع آموزش زنان توجه کنند. اما تاکنون این ترفند طالبان نتیجه‌ای نداشته است. همان‌طور که ند پرایس اذهان کرده بود، آزادی این دو زندانی هیچ تاثیری بر کاهش خشم جهانی علیه طالبان ندارد.

امریکا و دیپلماسی خطرناک گروگان‌گیری

پیش از این، ایالات متحده برتنی گرینر، بسکی‌تالیست مشهور این کشور را در مبادله زندانی با روسیه آزاد کرد. این مبادله در پایگاه نظامی‌ای در امارات متحده عربی انجام شد. آزادی خانم گرینر در ازای تخفیف ۲۵ سال زندان ویکتور بوت (فروشنده اسلحه) انجام شد. اداره بایدن تا اکنون توانسته است ۱۴ گروگان امریکایی را رها کند. این عدد نشان‌دهنده یک تغییر قابل توجه است. براساس گفته‌های مقام‌های ایالات متحده و ارزیابی‌های خصوصی، تعداد امریکایی‌هایی که در سال‌های اخیر توسط دولت‌های خارجی بازداشت شده‌اند، بیشتر از گروه‌های تروریستی یا گروه‌های تبه‌کار بوده است. ایالات متحده در ماه سپتامبر حاجی بشر نورزی که از او به‌عنوان «بزرگ‌ترین مافیایی مواد مخدر افغانستان» یاد می‌شود را از زندان نیویارک آزاد کرد تا آزادی مارک فریچیز، سرباز کهنه‌کار نیروی دریایی امریکا را تضمین کند. در مبادلات دیگری در سال جاری، ایالات متحده دو تن از بسته‌گان نیکلاس مادورو، رئیس جمهور ونزوئلا را که به اتهام قاچاق مواد مخدر محکوم شده بودند و همچنین یک قاچاق‌چی روسی کوکایین را آزاد کرد. مبادله زندانیان در گذشته بیشتر با تبادل جاسوس همراه بود. ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی حادتر بدترین دوران جنگ سرد، با عوامل تجاری معامله می‌کردند.

روزنامه واشنگتن پست به تاریخ ۲۰ دسامبر گزارش داده که طالبان دو شهروند امریکایی گروگان نزد این گروه را از بند رها کرده‌اند. آزادی زندانیان امریکایی درست در زمانی اتفاق می‌افتد که این گروه تحصیلات عالی برای زنان را به حالت تعلق درآورده‌اند. وزارت خارجه ایالات متحده امریکا از ارایه معلومات بیشتر در مورد هویت گروگان‌ها به دلیل درخواست خانواده آن‌ها خودداری کرده است. ند پرایس، سخنگویی وزارت خارجه امریکا، افزوده است که آزادی این دو زندانی هیچ تاثیری در کاهش خشم جهانی علیه طالبان به دلیل ممنوعیت آموزش زنان ندارد.

تاکتیک گروگان‌گیری، یک تاکتیک رایج میان گروه‌های بنیادگرا و تروریستی است. القاعده، داعش، باکو الحرام، جیش‌المحمد و طالبان از دیرباز از این استراتژی سود می‌برند. پس از سال ۲۰۰۱، طالبان همواره شهروندان و نظامیان داخلی و خارجی را گروگان می‌گرفتند تا از این طریق باج بگیرند و کسب درآمد کنند یا برای مبادله با زندانیان خود استفاده کنند. در ۲۰ سال گذشته طالبان برای تامین مصارف جنگ خود تجار، کارمندان شرکت‌های بزرگ و اتباع خارجی را اختطاف می‌کردند تا از این طریق بتوانند پول کافی برای جنگ داشته باشند. اما حالا به نظر می‌رسد که طالبان تغییر شیوه داده‌اند و از گروگان‌ها به‌عنوان ابزار برای کسب مشروعیت بین‌المللی و مبادله افراد خود استفاده می‌کنند.

طالبان با آزاد کردن این دو گروگان امریکایی تلاش دارند حسن نیت خویش را به جهانیان نشان دهند و از سویی هم توانسته باشند تصویری مثبت از خودشان در عرصه بین‌المللی بترانند. از طرفی این اقدام طالبان درست در روزی اتفاق افتاد که آن‌ها آموزش و تحصیلات عالی را برای دختران و زنان ممنوع کردند. هدف دیگر طالبان

پیامدهای اقتصادی محرومیت زنان از آموزش

رشد اقتصادی عبارت از افزایش کمی تولید ناخالص داخلی یک کشور در یک دوره زمانی مشخص است. از آنجایی که افزایش تولید ناخالص داخلی باعث افزایش درآمد سرانه در یک کشور می‌شود، بنابراین رشد اقتصادی را می‌توان به افزایش درآمد سرانه تعبیر و تعریف کرد.



ایستاده‌گی برای تحصیل

عبدالکریم خلیلی نویسنده و پژوهشگر اقتصادی

وزارت تحصیلات عالی طالبان در یک اعلامیه رسمی زنان و دختران دانشجو را از تحصیل در دانشگاه‌های دولتی و خصوصی محروم ساخت. پس از بستن مکاتب به روی دختران افغانستان، حال نوبت به دانشگاه‌ها و موسسات تحصیلات عالی رسیده است تا به روی دختران بسته شود. این تصمیم علاوه بر این که نقض صریح حقوق بشر و محروم ساختن نصف جامعه از حقوق شهروندی است، دارای پیامدهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نیز است. در این مقاله تلاش شده است پیامدهای اقتصادی این تصمیم تحصیلات عالی «امارت اسلامی» مورد بررسی قرار گیرد.

با درک نقش و جایگاه علم و دانش به‌صورت عموم و نقش آموزش زنان به‌صورت خاص بر رشد اقتصادی، می‌توان پیامدهای منع آموزش زنان را بر رشد اقتصادی به‌درستی درک کرد. قبل از همه باید روشن شود که تحصیل علم و دانش چه نقشی در رشد و توسعه اقتصادی دارد؟ نقش زنان آموزش‌دیده در رشد اقتصادی چگونه است؟ فراتر از این که آموزش حق مسلم تمامی افراد جامعه است، آیا آثار سرریز و فواید جانبی دیگر نیز دارد؟ اگر نیمی از افراد جامعه از آموزش محروم شوند، چه پیامدهای اقتصادی در کوتاه‌مدت و بلندمدت دارد؟ با روشن شدن نقش آموزش بر رشد اقتصادی، روی دیگر سکه که فقدان آموزش است، به‌خوبی قابل درک و فهم می‌شود.

رشد اقتصادی و آموزش

رشد اقتصادی عبارت از افزایش کمی تولید ناخالص داخلی یک کشور در یک دوره زمانی مشخص است. از آنجایی که افزایش تولید ناخالص داخلی باعث افزایش درآمد سرانه در یک کشور می‌شود، بنابراین رشد اقتصادی را می‌توان به افزایش درآمد سرانه تعبیر و تعریف کرد. رشد اقتصادی از اهداف اصلی تمامی جوامع بشری و همچنین ضرورت مبرم و پیش‌نیاز برای دستیابی به توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است. در ارتباط به چگونه‌گی رشد و رشد مطلوب، نظریات مختلف وجود دارد، اما تمامی نظریات به یک نتیجه واحد می‌رسند و آن این که رشد مطلوب رشدی است که کلیه افراد جامعه در آن نقش داشته باشند و همه از آن مستفید شوند.

عوامل رشد اقتصادی چیست و آموزش چگونه وارد مدل رشد اقتصادی شد؟ سرمایه انسانی چیست و آموزش چه سهمی در انباشت سرمایه انسانی دارد؟ افزایش کمی تولید ناخالص داخلی و یا افزایش درآمد سرانه یک کشور در یک دوره زمانی، تعریفی است که می‌توان از رشد اقتصادی ارایه کرد. از آدام اسمیت تا اکنون اقتصاددانان در کنار دیگر موضوعات اقتصادی، به رشد اقتصادی به‌عنوان یک موضوع بسیار مهم علم اقتصادی پرداخته‌اند. این نشان‌دهنده اهمیت رشد اقتصادی در مباحث علم اقتصاد است. در عرصه عملی تمامی کشورها و ملت‌ها تلاش دارند رشد پایدار اقتصادی خویش را حفظ کنند.

عوامل رشد اقتصادی چیست؟ سرمایه، نیروی کار، منابع طبیعی، زیربناها، قوانین، حکومت‌داری خوب، فرهنگ و باورها از عوامل رشد اقتصادی به شمار می‌آیند. در زمانی، طبیعت و کشاورزی، روزگاری تجارت و در برهه‌هایی نیز تقسیم کار، تشکیل سرمایه فیزیکی، دخالت دولت، توسعه منابع انسانی و... به‌عنوان عامل اصلی رشد و پیش‌رفت تعیین و تصریح شده است، در عین حال مهم‌ترین دستاوردهای علمی پژوهش‌های نوین سرمایه‌گذاری انسانی و آموزش را به‌عنوان مؤثرترین عامل معرفی می‌کنند. به این ترتیب، یک تحول اساسی هم در عوامل رشد و هم در نقش انسان در فرایند تحولات اقتصادی رخ داده است، به‌ویژه عامل انسانی از «نیروی انسانی» (به‌عنوان عامل تولید با ظرفیت ثابت و مفروض) تا «سرمایه انسانی» (انسان ماهر، متخصص، حایز شایسته‌گی‌های عاطفی ارتباطی، بالانگیزه، دارای کارکردهای راهبردی و کارآفرینی) تحول نقش به خود دیده که در طول آن، آموزش به‌عنوان مهم‌ترین سازوکار ایفای نقش کرده است.

سرمایه انسانی چیست؟ سرمایه انسانی به‌طور خلاصه به مهارت‌ها، آموزش‌ها، تجربیات، تحصیلات، دانش و شایسته‌گی‌های افراد گفته می‌شود. سرمایه انسانی را می‌توان به‌عنوان دارایی نامشهود ناشی از استعداد و تجربه یک فرد توضیح داد. در واقع سرمایه انسانی تلفیقی از ویژگی‌های ژنتیک، توان‌مندی‌های احراز شده و مهارت‌ها و تجربه‌های کسب‌شده توسط افراد در طول زنده‌گی است. سرمایه انسانی نیرویی است که در فرد فعال می‌شود و توان و امکان او را برای تولید کالا و خدمتی که موجب استغنا و رفاه وی در زنده‌گی فردی و اجتماعی می‌گردد افزایش می‌دهد. اساس نظریه سرمایه انسانی این است که دلیل تفاوت‌های درآمدی افراد، اختلاف در میزان بازدهی آن‌ها است. امروزه نظریه سرمایه انسانی از مهم‌ترین نظریه‌های توزیع درآمد است. در این نظریه اختلاف بین درآمدها، وابسته به میزان آموزشی است که در افراد سرمایه‌گذاری شده است.

نظریه‌پردازان سرمایه معتقدند که سرمایه انسانی به‌صورت مهارت، دانش و تخصص در افراد تجسم یافته است و سطح تولیدات، کیفیت خدمات و میزان درآمد را افزایش داده و بسیاری از تصمیمات آن‌ها را در کلیه زمینه‌های زنده‌گی متأثر می‌سازد. هنگامی که از تشکیل سرمایه انسانی صحبت می‌شود، زمانی است که سرمایه‌گذاری مالی (چه به‌صورت مخارج تحصیلی و چه به‌صورت فداکاری و هزینه فرصت از دست‌رفته) صورت پذیرد تا تغییرات و تحولاتی در افکار و افعال فرد به وجود آورد. این تغییرات و تحولات که در درون افراد متبلور شده و غیر قابل انفکاک است، آنان را قادر می‌سازد تا:

- کالاهای و خدمات بیشتر و یا بهتری تولید کنند؛
- درآمدهای پولی بالاتری به دست آورند؛
- درآمدهای خود را عاقلانه‌تر مصرف کنند؛
- از زنده‌گی لذت بیشتری ببرند.

تا این‌جا درک کرده‌ایم که سرمایه انسانی عبارت از توانایی، مهارت و تخصص افراد است که در تولید، کسب درآمد، مصرف و شیوه زنده‌گی بهتر به ما کمک می‌کند. تفاوت در درآمد، الگوی مصرف و شیوه زنده‌گی در جوامع مختلف را می‌توان به کمک نظریه سرمایه انسانی تفسیر کرد؛ یعنی کشورهایی که در سطح پایین درآمد قرار دارند و از الگوی مصرف غیرعقلانه پیروی و به‌صورت سنتی و قبیله‌ای زنده‌گی می‌کنند، از کمبود سرمایه انسانی رنج می‌برند. برعکس کشورهایی که دارای سرمایه انسانی انباشته‌اند، درآمد بالاتر، مصرف عاقلانه و زنده‌گی مدرن دارند. مطالعات و تجربیات معاصر نشان می‌دهد که سرمایه انسانی عامل اصلی رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگ جوامع است. تنها با وجود سرمایه انسانی، می‌توان از سرمایه فیزیکی و منابع طبیعی استفاده صحیح و مؤثر کرد.

سرمایه انسانی چگونه تشکیل می‌شود و چه زمانی وارد ادبیات اقتصادی شد؟ تنودر شولتر و گری بکر، دو تن از اقتصاددانان معاصرند که تیوری سرمایه انسانی را از مرحله کلاسیک و ابتدایی به حالت پیش‌رفته و تحلیلی امروزی ارایه کرده‌اند. آن‌ها نشان داده‌اند که سرمایه انسانی نه‌تنها از طریق تراکم و انباشت آموزش، بلکه از راه‌های دیگر نیز به وجود می‌آید؛ لیکن متداول‌ترین انواع سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی موارد زیر به حساب می‌آیند:

- آموزش‌های رسمی (مکتب و دانشگاه)؛
- آموزش‌های قبل از مکتب؛
- آموزش‌های بعد از فارغ‌التحصیلی؛
- مهاجرت برای مشاغل و درآمدهای بالاتر؛
- مراقبت از تندرستی و بهداشت عمومی؛
- به دست آوردن اطلاعات کافی از عرضه و تقاضای کار و خدمات.

بنابراین، عامل اصلی و بهترین روش برای تشکیل سرمایه انسانی، آموزش است. یادگیری چه به‌صورت رسمی و یا غیررسمی تنها مسیر مطمئن برای رسیدن به سرمایه انسانی و انبوه‌سازی آن است. علم، تخصص، مهارت، رفتار و گفتار پسندیده که به تولید بهتر، درآمد بالاتر و زنده‌گی عاقلانه در یک جامعه منجر می‌شود، تنها از طریق آموزش و یادگیری به دست می‌آید. در نتیجه، آموزش نقش پُررنگ و تعیین‌کننده‌ای در تشکیل و انبوه‌سازی سرمایه انسانی دارد.

آموزش انسان را به سرمایه انسانی تبدیل می‌کند که دربرگیرنده مهارت مورد نیاز برای بخش سنتی و بخش مدرن اقتصاد و قدرت تولیدی اشخاص است. آموزش فنی و عمومی هر دو از طریق ایجاد توانایی در افزایش قدرت تولیدی جمعیت و به‌ویژه نیروی کار، باعث افزایش درآمد می‌شود. هسته اصلی نظریه سرمایه انسانی، این است که آموزش قدرت تولیدی نیروی کار را افزایش می‌دهد و به افزایش رشد اقتصادی منجر می‌شود.

سرمایه انسانی که هسته اصلی آن آموزش است، از چه زمانی مورد توجه اقتصاددانان قرار گرفت و وارد ادبیات اقتصادی شد؟ پذیرش عامل سرمایه انسانی به‌عنوان یک جریان اصلی در ادبیات اقتصادی، به اوایل دهه ۱۹۶۰ میلادی مربوط می‌شود؛ یعنی زمانی که اقتصاددانان تلاش کردند توضیح قانع‌کننده‌ای برای بخش عمده‌ای از رشد اقتصادی که بدون توضیح باقی مانده بود، ارایه دهند.

بنابراین، در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که رشد اقتصادی که عبارت از افزایش درآمد داخلی، ملی و درآمد سرانه در طول یک دوره زمانی مشخص است، متأثر از عوامل، سرمایه فیزیکی، سرمایه انسانی، منابع طبیعی، سیاست‌های اقتصادی، تجارت، حکومت‌داری،

فرهنگ و باورهای مردم است. مدل‌های رشد که از دهه شصت به این‌سو در چارچوب معادله تولید کل تدوین شده، دو عامل مهم تولید یعنی سرمایه فیزیکی (موجودی سرمایه و نیروی کار) و سرمایه انسانی را مورد بررسی قرار داده‌اند. آموزش عامل اصلی انبوه‌سازی سرمایه انسانی در تمامی مدل‌های رشد اقتصادی شناخته شده است. سرمایه انسانی یا نیروی کار آموزش‌دیده، تنها متغیری است که توضیح قانع‌کننده‌ای برای ابهامات رشد اقتصادی که در عمل با آن روبه‌رو می‌شویم، ارایه می‌کند. با درک اهمیت سرمایه انسانی در رشد اقتصادی و نقش آموزش در تشکیل سرمایه انسانی، می‌توان پیامدهای محرومیت از فراگیری علم و دانش را به‌خوبی درک کرد. بناً محرومیت زنان از آموزش، نابودسازی سرمایه انسانی است.

مطالعات اقتصادی و تجربیات بشر ثابت ساخته است که انسان محور توسعه است و آموزش نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در رشد و توسعه اقتصادی دارد. کشورهایی که سرشار از منابع طبیعی و سرمایه فیزیکی‌اند، با فقدان سرمایه انسانی نمی‌توانند در مسیر رشد و توسعه قدم بردارند. تجربه بیست‌ساله افغانستان ثابت ساخت که در صورت فقر سرمایه انسانی، دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی امکان‌پذیر نیست. در بیست سال اخیر منابع مالی هنگفتی به افغانستان سرازیر شد، اما متأسفانه هیچ استفاده مؤثری از آن در راستای رشد اقتصادی کشور نشد. یکی از دلایل عمده آن، نبود سرمایه انسانی و نیروی کار مؤثر است. سال‌ها جنگ در افغانستان باعث شده بود که سرمایه انسانی تشکیل نشود و در نتیجه انسان ماهر، متخصص و آموزش‌دیده وجود نداشته باشد تا از منابع مالی موجود به نفع کشور استفاده کند. اما در سال‌های اخیر سرمایه انسانی در حال انبوه‌سازی بود. جوانان علاقه و انگیزه‌های برای فراگیری علم و دانش پیدا کرده بودند و تا حدودی امکانات و معیارهای آموزش در کشور فراهم شده بود. اگر وضعیت آموزش به همین منوال پیش می‌رفت، تا چند سال آینده افغانستان به سرمایه انسانی و نیروی کار مؤثر دست می‌یافت که بتواند نقش مؤثر در رشد اقتصادی داشته باشد.

محرومیت زنان از آموزش در تمامی مقاطع، یک عقب‌گرد به ضرر رشد اقتصادی است. زنان تحصیل‌کرده ضمن این که به جمع نیروی کار مؤثر می‌پیوندند، فرزندان باسواد و آموزش‌دیده تحویل جامعه خواهند داد. محروم‌سازی زنان از فراگیری علم و دانش، فاجعه تاریخی است که پیامد منفی آن دامن‌گیر نسل آینده می‌شود، فقر و بیکاری را تشدید می‌کند و رشد و توسعه اقتصادی را به فلاکت روبه‌رو می‌سازد. منع زنان از تحصیل علم و دانش، هیچ توجیه اقتصادی، دینی و اخلاقی ندارد. بستن دروازه دانشگاه و مکاتب به روی زنان و دختران، ضربه‌ای جبران‌ناپذیر به سرمایه انسانی و رشد اقتصادی است.

در کشوری که فقر و بیکاری به اوج خود رسیده است، به جای محروم‌سازی زنان از آموزش، باید سیاست‌ها و تصمیم‌هایی اتخاذ شود تا فقر و بیکاری را به حداقل برساند، نه این که در راستای تشدید فقر و بیکاری قدم بردارد. تحصیل علم برای زن و مرد مسلمان فرض است. این فریضه الهی به دلیل اهمیت علم و دانش در زنده‌گی بشر است. تفاوت زنده‌گی انسان امروزی، به دلیل تفاوت در میزان برخورداری از سرمایه انسانی است. تفاوت در سرمایه انسانی، از تفاوت در آموزش و فراگیری علم و دانش ناشی است.

جامعه جهانی و کشورهای اسلامی باید گروه حاکم بر افغانستان را مجبور سازد تا در تصمیم ظالمانه‌اش تجدید نظر کرده و مسیر علم و دانش را به روی زنان بازگشایی کند. مردم افغانستان به این تصمیم ظالمانه تمکین نکنند و صدای اعتراض خویش را به گوش جهانیان برسانند.

براساس گزارش‌ها، در نتیجه انفجار یک بمب دست‌ساز در ایالت بلوچستان پاکستان پنج تن از نیروهای نظامی این کشور کشته شده‌اند. رسانه‌های پاکستانی گزارش داده‌اند که این انفجار روز یکشنبه، ۲۵ دسامبر، در منطقه کاهان بلوچستان رخ داد است. گفتنی است که این انفجار در جریان عملیات نیروهای نظامی پاکستان به منظور «پاک‌سازی» این منطقه به وقوع پیوسته است. این در حالی است که براساس گزارش‌ها، در روزهای اخیر آمار حملات انفجاری و انتحاری در پاکستان افزایش یافته است.

آغاز مذاکرات اسرائیل و عربستان برای عادی‌سازی روابط



رسانه‌های اسرائیلی گزارش داده‌اند که اسرائیل و عربستان سعودی مذاکراتی را با حضور نماینده امریکا برای عادی‌سازی روابط میان دو کشور آغاز کرده‌اند.

روزنامه عبری‌زبان دیدیوت آحرانوت، به روز یکشنبه، ۲۵ دسامبر، گزارش داده است که مذاکرات بین اسرائیل، امریکا و عربستان سعودی با هدف کسب توافق عادی‌سازی روابط بین دولت یهودی و پادشاهی سعودی جریان دارد.

در صورت حصول توافق، عربستان سعودی پنجمین کشور عربی خواهد بود که روابط خود را تحت «پیمان ابراهیم» با اسرائیل برقرار می‌کند. امارات و اسرائیل توافق‌نامه جامع مشارکت اقتصادی را امضا کرده‌اند و همچنان برای نخستین بار در زمان برگزاری مسابقات جام جهانی فوتبال در قطر، پرواز مستقیم میان دو کشور انجام شد.

از سویی هم نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، در مصاحبه با یک روزنامه امریکایی ابراز امیدواری کرده است که مذاکرات صلح رسمی میان این کشور و عربستان که «پایان منازعات اعراب و اسرائیل» خواهد بود، نتیجه دهد.

نتانیاهو همچنین ابراز امیدواری کرده است که رهبری عربستان سعودی نیز برای تحقق این هدف تصمیم مقتضی را اتخاذ کند.

پیام کریسمس پاپ فرانسیس: جهان از قحطی صلح رنج می‌برد



پاپ فرانسیس در پیامی که به مناسبت کریسمس نشر کرده، خواستار پایان جنگ در اوکراین و سایر درگیری‌ها شده و گفته است که جهان از «قحطی صلح» رنج می‌برد.

براساس گزارش رویترز، پاپ فرانسیس روز یکشنبه، ۲۵ دسامبر، در پیام کریسمس‌اش از مردم خواسته است که به کریسمس فراتر از تعطیلات نگاه کرده و به بی‌خانمان‌ها، مهاجران، پناهنده‌گان و فقرا کمک کنند.

وی در سخنانی خطاب به ده‌ها هزار تن گفته است: «بیباید چهره آن برادران و خواهران اوکراینی‌مان را ببینیم که در این کریسمس در تاریکی، سرما و دور از خانه‌هایشان زنده‌گی می‌کنند.»

پاپ فرانسیس که نام اصلی‌اش خورخه ماریو برگولیو است در سال ۲۰۰۱ مقام کاردینالی را از پاپ ژان پل دوم دریافت کرد.

رئیس اطلاعات اوکراین:

روسیه علاوه بر «پهپادهای انتحاری» به موشک‌های ایرانی نیز چشم دوخته است

هشدار داده و گفته که روسیه علاوه بر «پهپادهای انتحاری» به موشک‌های ایرانی نیز چشم دوخته است.

نیویارک‌تایمز روز یکشنبه، ۲۵ دسامبر، گزارش داده است که کیریلو بودانوف، رئیس سازمان اطلاعات اوکراین، در گفت‌وگویی با این روزنامه گفته است که با وجود این‌که روسیه صدها «پهپاد انتحاری» از نوع «شاهد» را از ایران خریداری کرده، ولی همچنان سعی دارد تا با ارایه مشوق‌هایی، ایران را ترغیب کند تا به تامین پهپاد ادامه داده و علاوه بر این‌ها، موشک‌های خود را نیز در اختیار مسکو قرار دهد.

او افزوده است که روسیه از ماه اکتوبر سال روان میلادی تاکنون، در فواصل زمانی یک هفته تا ۱۰ روز با موشک و پهپاد به زیرساخت‌های انرژی اوکراین حمله کرده و به طور میانگین در هر رگبار ۷۵ موشک شلیک کرده است.



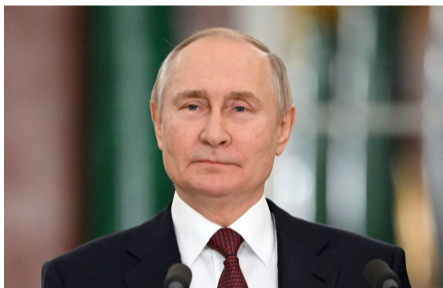
رئیس سازمان اطلاعات اوکراین در مورد روابط روسیه با ایران و بلاروس و تاثیر آن بر وضعیت جنگ در اوکراین

پوتین: روسیه آماده مذاکره درباره جنگ اوکراین است

پیدا نکند، جنگ را ادامه خواهد داد.

در همین حال، کی‌یف گفته است تا زمانی که همه سربازان روسی از تمام قلمرو این کشور به شمول کریمه بیرون نشود، آرام نخواهد گرفت.

این در حالی است که حمله ۲۴ فبروری سال جاری روسیه به اوکراین، منجر به مرگ‌بارترین درگیری در اروپا از زمان جنگ جهانی دوم و بزرگ‌ترین رویارویی بین مسکو و غرب از زمان بحران موشکی کوبا در سال ۱۹۶۲ به این‌سودشه است.



ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، گفته است که روسیه آماده مذاکره با همه طرف‌های درگیر در جنگ اوکراین است، اما کی‌یف و حامیان غربی آن از شرکت در مذاکرات خودداری کرده‌اند.

پوتین روز یکشنبه، ۲۵ دسامبر، در مصاحبه‌ای با تلویزیون دولتی روسیه-۱ گفته است: «ما آماده مذاکره با همه افراد درگیر درباره راه‌حل‌های قابل قبول هستیم، اما این به آن‌ها [اوکراین و حامیان‌شان] بسته‌گی دارد.»

کرملین گفته است که تا زمانی که به تمام اهداف دست

ترکیه: بیش از ۱۵ میلیون تن غلات از بنادر اوکراین منتقل شده است

وزیر حمل‌ونقل و زیرساخت ترکیه اعلام کرده است که ارزش مجموعی محموله‌های انتقال‌یافته از بنادر اوکراین، از ۱۵ میلیون و ۸۰ هزار تن فراتر رفته است.

خبرگزاری آناتولی روز یکشنبه، ۲۵ دسامبر، به نقل از عادل کارا اسماعیل‌اوغلو، وزیر حمل‌ونقل و زیرساخت ترکیه، گزارش داده است که از اول اگست تا ۲۵ دسامبر سال روان میلادی، در مجموع ۵۸۵ کشتی از بندرهای شهرهای اودسا، چورنومورسک و یوژنه اوکراین حرکت کرده و ارزش مجموعی محموله‌های انتقال‌یافته از این بنادر از ۱۵ میلیون و ۸۰ هزار تن فراتر رفته است.

او با اشاره به بحران جهانی غذا در پی جنگ اوکراین و روسیه افزوده است: «انتقال غلات از اوکراین که یکی از مهم‌ترین مراکز غلات در جهان است، متوقف شده بود، اما با دیپلماسی ترکیه و همکاری روسیه، اوکراین و سازمان ملل بار دیگر روند انتقال غلات به سراسر جهان از سر گرفته شد.»

نام‌برده افزوده است که محصولات حمل‌شده بیشتر شامل جو، گندم، سویا، کنجاله آفتاب‌گردان، سیوس گندم، نخود، تخمه آفتاب‌گردان، روغن آفتاب‌گردان و روغن سویا می‌باشد.

گفتنی است که تفاهم‌نامه انتقال غلات میان اوکراین و روسیه، در ماه جولای سال روان میلادی با میانجی‌گری ترکیه و سازمان ملل متحد امضا شده بود.



سپاه پاسداران:

اعضای یک گروه را که از «انگلیس هدایت می‌شد» بازداشت کردیم



«سپاه ثارالله استان کرمان» ایران مدعی شده که یک «شبکه سازمان‌یافته» به نام «زاگرس» که از «انگلیس هدایت می‌شد» را «ضربه» زده است.

در بیانیه سپاه که روز یکشنبه، ۲۵ دسامبر منتشر شده، آمده که این گروه «با هدایت مستقیم عناصری از کشور انگلیس»، در «آشوب‌های اخیر» دست داشته است.

خبرنامه افزوده که در یک عملیات هفت تن از «لیدرهای آن در داخل کشور» شناسایی و دستگیر شده و «همزمان با اقدامات فنی و سایبری، گروه‌ها و کانال‌های مرجع آنان نیز از دسترس خارج و مسدود شده است.»

پیش از این ایران از شناسایی و بازداشت برخی از افراد به اتهام همکاری با اسرائیل در جریان اعتراضات اخیر در این کشور خبر داده بود.

حکومت ایران از سوی برخی از نهادهای مدافع حقوق بشری متهم است که مخالفان و همچنان معترضان در این کشور را تحت عناوین مختلف بازداشت و شکنجه می‌کند و به قتل می‌رساند.

ماه‌ها است که اعتراضات سرتاسری در واکنش به قتل مهسا امینی، دختر نوجوان کردی که در بازداشت نیروهای گشت ارشاد جان باخت، در ایران جریان دارد.

حکومت ایران صدها تن از این معترضان را بازداشت، زندانی و چند تن را نیز تاکنون اعدام کرده است.